

مقایسه، ارتباط و اشتراک آیات رجعت، قیامت و ظهور

ریحانه هاشمی (شهیدی)*

چکیده

رجعت در مذهب شیعه بر اساس دلایل نقلی و وقوع آن در طول تاریخ قبل و بعد از اسلام امری ثابت شده است. برخی از روایات ائمه اطهار^۷ شامل تبیین و تفسیر آیات ظهور و رجعت است که گاه این آیات بر قیامت نیز تطبیق داده می‌شود. از طریق روایات می‌توان دریافت که برخی آیات به رجعت اختصاص داشته و برخی با ظهور و قیامت اشتراک دارد. بعضی از نشانه‌ها، خاص قیامت کبری بوده و وجود این علائم در آیات، بیانگر اختصاص آن آیات به قیامت است.

وجه اشتراک آیاتی که به رجعت و ظهور، نسبت داده شده‌اند، این است که هر دو بیانگر دولت ائمه اطهار^۷ است؛ با این تفاوت که در زمان ظهور، امام زمان قیام کرده و حق را برپا می‌دارد، ولی در رجعت، مؤمنان خالص از جمله برخی از ائمه^۷ و کافران خالص بازگشته، و مؤمنان به یاری امام زمان برخاسته و کافران عذاب می‌شوند.

کلید واژه‌ها: مقایسه، ارتباط، اشتراک، آیات رجعت، قیامت، ظهور

پیشانی

Error! No text of specified style in document.

*. استاد حوزه و دانشگاه، دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب قم Rey.hashemi@chmail.ir

اعتقاد به خداوند و ارسال رسل، وجه مشترک همه ادیان توحیدی است که منشأ و مبنای این اعتقاد از ناحیه خداوند متعال بوده و گمراهان و معاندان موجب و مسبب اختلاف و فرقه‌گرایی در متن ادیان توحیدی شده‌اند.

یکی از اعتقادات مشترک ادیان الهی ظهور منجی در آخرالزمان و بازگشت مسیح^۷ است. در بین مسلمین، اهل سنت قائل به رجعت حضرت مسیح^۷ بوده ولی بازگشت برخی از انسان‌ها را پس از رحلت پیامبر^۹ منکر شده‌اند و از این بابت شیعیان را مورد طعن قرار می‌دهند؛ اما بر اساس عقیده شیعه، در آخرالزمان رجعت گروهی از انسان‌ها در آستانه‌ی ظهور و رجعت حضرت مسیح^۷ امری قطعی و حتمی است که با استفاده از دلایل عقلی و نقلی و بهره‌گیری از کتاب، سنت و اجماع قابل اثبات است.

تفاوت بین رجعت و ظهور این است که در رجعت افرادی که از دنیا رفته‌اند، بار دیگر به دنیا بازگشته و به زندگی خود در این دنیا ادامه می‌دهند، تا زمانی که دوباره از دنیا بروند؛ ولی در ظهور، افرادی هستند که از دنیا نرفته اما مدت زمان زیادی غایب بوده‌اند و پس از مدتی در میان امت ظاهر شده و به زندگی خود در این دنیا ادامه می‌دهند تا زمانی که از دنیا رخت ببرند.

در این مقاله سعی خواهد شد با استفاده از دلایل نقلی و کنار هم قرار دادن و جمع‌بندی آن‌ها به اثبات رجعت پرداخته و ضمن بررسی آیات و روایات مربوط به ظهور، رابطه و اشتراک ظهور و رجعت تبیین گردد. با توجه به محوریت بحث رجعت و دلالت بسیاری از آیات بر وقوع قیامت و رجعت، تفکیک و تخصیص آیات به قیامت یا رجعت امری دشوار و مهم است که باید از شواهد و قرائن و ادله عقلی و نقلی بهره جست.

چنانچه ذیل تفسیر آیه (أَيَّامُ اللَّهِ) (جاثیه، ۱۴) در روایت آمده است: «أَيَّامُ اللَّهِ هَـ ٓ ثَلَاثَةُ يَوْمٍ يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۱۰۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۵، ص ۲۸)، این امر حاکی از آن است که یک عبارت در قرآن می‌تواند حامل مصادیق زیادی باشد، هم چنانکه در این جا «أَيَّامُ اللَّهِ» به سه روز مختلف نسبت داده شده است. یکی از معیارهای تشخیص قرائن، درون آیات است که می‌تواند پاسخگوی بسیاری از شبهات در این امر باشد، ضمن آن که جمع روایات وارد شده از شیعه و اهل سنت نیز رهگشای این امر است.

مفهوم‌شناسی

«رجعت» در لغت از ریشه «رجع» به معنای اعاده، و «رجوع» به معنای بازگشت است (راغب، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۴۲) و «رجعت» یک بازگشت را گویند (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۲۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۸، ص ۱۱۴)، رجعت در طلاق است و به بازگشت به دنیا بعد از مردن نیز رجعت گویند. (راغب، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۴۲) «رجعت» در اصطلاح به بازگشت پیامبران، امامان و گروهی از مؤمنان راستین اطلاق می‌شود که بنا بر باورهای شیعه پیش از آن که عهد جهان به پایان رسد و قیامت برپا گردد ایشان زنده می‌شوند تا از برخی کافران انتقام بگیرند. (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۷۰)

«ظهور» در لغت از ریشه «ظهر» خلاف «بطن» را گویند و ظهور آشکار شدن شیء مخفی و چیره شدن بر چیزی و آگاهی یافتن بر آن است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۴، ص ۳۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۵۲۶) چیزی که مخفی نباشد دارای ظهور است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۸۸). «ظهور» در اصطلاح به ظاهر شدن حضرت مهدی

(اطلاق می‌شود که به قدرت و لطف خداوند متعال پس از بروز علائمی از غیبت خارج می‌شود، این امر از اعتقادات شیعیان دوازده امامی است. (مشکور، ۱۳۷۲ ش، ص ۲۷)

واژه «قیامت» از ریشه «قوم» کلمه‌ای شناخته شده است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۵۰) «قیامت» به روز بعث و برانگیخته شدن گویند که انسان‌ها روبروی (خدای) قیوم قرار گیرند. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۳۷)

برخی اصل «قیامۀ» را این دانسته‌اند که انسان یک دفعه قیام کند و بر آن «هائ تنبیه» داخل شده که وقوع دفعی آن را می‌رساند. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۹۱) و برخی گفته‌اند که اصل آن مصدر بوده، بیان‌گر آن است که آفریدگان از قبرهایشان برخاسته و برخی گفته‌اند که تعریب «قِیَمْتًا» است که به سیرانی به همین معناست. به روز جمعه هم روز قیامت گفته شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۵۰۶) «قیامت» در اصطلاح به روزی گفته می‌شود که بندگان بعد از مرگ در آن روز به پا خاسته و به کیفر و پاداش عمل خود می‌رسند. (سجادی، ۱۳۷۳ ش، ج ۳، ص ۱۵۵۵)؛ برخی به آن «یوم القیامۀ» اطلاق کرده‌اند که به معنای روز برخاستن از قبرها و روز زنده شدن است. این لفظ همراه با کلمه «یوم» هفتاد بار در قرآن آمده است. اعتقاد به قیامت یکی از ارکان اسلام است و بنا بر تحقیق برخی از محققین در حدود هزار و هفتصد آیه از قرآن مجید راجع به قیامت و ثواب و عقاب و بازگشت اعمال است. (خاتمی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۸۵)

امکان نقلی رجعت

آیات و روایات زیادی درباره بازگشت مردگان به حیات دنیوی از طریق شیعه نقل شده است. (حرّعاملی، ۱۳۶۲، ص ۱۹۰-۲۰۷) منابع اهل سنت تا جایی که رجعت مربوط به امت‌های پیشین است، آن را پذیرفته ولی رجعت در امت اسلامی را انکار می‌نمایند. (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۴۶؛ حرّعاملی، ۱۳۶۲، ص ۶۹-۷۰؛ القفاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۹۱۱-۹۱۲) بدون اینکه اشاره‌ای به تفاوت رجعت در امت‌های پیشین و امت پیامبر نموده و بر عدم رجعت در امت اسلامی دلیل عقلی ارائه نمایند.

آنچه مسلم است آیات و روایات بر وقوع رجعت دلالت دارند و قرآن تکرار سنت‌های الهی در میان امت‌ها را بیان نموده و خداوند متعال تکرار این حوادث را در امت اسلام تأیید نموده است (لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ) (انشقاق، ۱۹) مفسرین شیعه و اهل سنت، یکی از تفاسیر این آیه را به تکرار سنت‌های پیشینیان در این امت نسبت داده‌اند. (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۱۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۱۶۱؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۴۵۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۱، ص ۱۰۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۶۱۶) از لحاظ عقلی نیز تکرار سنت‌های الهی امری محال نیست؛ زیرا اموری که برای امت‌های پیشین رخ داده محال ذاتی نبوده و در حیطه‌ی قدرت خداوند متعال قرار داشته و تکرار آن برای این امت امکان‌پذیر است. رجعت از جمله حوادثی است که در امت‌های پیشین رخ داده و آیات قرآن بدان تصریح کرده‌اند. روایاتی از اهل سنت به رجعت به طور خاص در همین امت اشاره کرده‌اند:

«عن علی^۲: سخر له السحاب و مدت له الأسباب و بسط له النور و أحب الله و أحبه. و سأل ابن الكواء و كان من أصحابه ما ذو القرنين أملك أم نبی؟ فقال: ليس بملك و لا نبی و لكن كان عبدا صالحا ضرب على قرنه الأيمن في طاعة الله أي في جهاده فمات، ثم بعثه الله ف ضرب على قرنه الأيسر فمات فبعثه الله فسمى ذا القرنين و فيكم مثله یعنی نفسه» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۴۳؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ ق، ج ۴، ص ۴۵۸؛ نحاس، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۸۳)

طبق این روایت، برخی از مفسرین اهل سنت حضرت علی^۷ را همچون ذوالقرنین دانسته که دوبار از دنیا رفته و بار دیگر به دنیا بازخواهد گشت.

دلایل نقلی بیانگر آن است که رجعت شامل مؤمنان محض است (مفید، ۱۴۱۴، ص ۹۰) و در صدر رجعت کنندگان، پیشوایان دین قرار دارند که در عالی‌ترین سطح کمال علمی و عملی به سر برده و در زمان خویش

امکان تکمیل اجرای احکام اسلامی را به طور کامل نیافتند و با رجعت و بازگشت میان امت، امکان اجرایی کردن احکام اسلامی را به صورت گسترده می‌یابند (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۰۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۵۸۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۵۱۰). زیارت جامعه کبیره این مهم را به تصویر کشیده است «مصدق برجعتکم منتظر لامرکم مرتقب لدولتکم» (حرّعاملی، ۱۳۶۲، ص ۳۰۲؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۴؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۷۵). رجعت ائمه همراه با دولت و حکومت ایشان است و ضمیر «کم» که به صورت جمع آمده، بیانگر آن است که دولت به تمامی اولیای الهی اختصاص داشته و بازگشت دولت به معنای اجرای احکام الهی و به کمال رساندن انسان هاست که وظیفه و هدف همه انبیاء و اولیای الهی بوده است.

روایات اهل سنت بازگشت مسیح را در آخرالزمان تأیید کرده‌اند (بخاری، ۱۴۰۱ - ۱۹۸۱ م، ج ۴، ص ۱۴۳؛ نیشابوری، بی تا، ج ۸، ص ۱۷۹ - ۱۸۰؛ ترمذی، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳ م، ج ۳، ص ۳۴۴) و وعده ظهور مهدی در آخرالزمان را از قول رسول خدا و برخی صحابه نقل نموده‌اند، ایشان مهدی را از اهل بیت پیامبر (دانشسته که زمین را پر از عدل و داد می‌کند) (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۱۷؛ السجستانی، ۱۴۱۰ - ۱۹۹۰ م، ج ۲، ص ۳۱۱؛ الحاکم النیسابوری، بی تا، ج ۴، ص ۵۱۴؛ رک: جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۶ ق، ج ۲۳؛ دوانی، ۱۳۴۶، ش ۵، ص ۶۵ - ۶۸) و به این ترتیب وعده آیات الهی در مورد وراثت زمین به پاکان تحقق می‌یابد. طبق روایات فریقین یکی از زمینه‌های تحقق وعده الهی، بازگشت نیکان و پاکان برای اصلاح امور جهانیان است که با وعده‌های الهی مبتنی بر بازگشت مسیح و ظهور حضرت مهدی^۱ امکان‌پذیر است.

بازگشت حضرت عیسی^۲ در آخرالزمان و رجعت امت‌هایی از امت‌های پیشین، امکان رجعت در این امت را گواهی می‌دهد، علاوه بر آنکه بنا به ضرورت عقل، باید دین اسلام بر همه ادیان چیره گردد، تا اثری از ظلم نماند. در این هنگام رجعت می‌تواند یک آیه و نشانه شایسته‌ای برای خاضع کردن ستمگران گردن‌کش باشد.

آیات رجعت در امت‌های پیشین

نمونه‌های زیادی از رجعت و بازگشت مردگان در امت‌های پیشین وجود دارد که در آیات قرآن به آن‌ها اشاره شده است. در تفاسیر شیعه و اهل سنت ذیل آیه ۲۵۹ سوره بقره بیان شده که عزیر نبی (یا ارمیاء صد سال پس از مردن زنده شد، این آیه بیان‌گر آن است که از سانی پس از مردن زنده شده و دوباره به حیات خود ادامه داده است. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۱۹؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۰۰؛ حقی برو سوی، بی تا، ج ۱، ص ۴۱۳) هر چند هدف اصلی این آیه، نشان دادن امکان زنده شدن مردگان در روز قیامت یا به قولی حشر اکبر است؛ اما خود نمونه بارزی از زنده شدن مردگان در همین دنیا و حشر اصغر می‌باشد.

آیات دیگری از این قبیل مربوط به داستان قوم بنی‌اسرائیل است که هفتاد نفر از برگزیدگان حضرت موسی^۳ برای میقات، پس از درخواست نامعقول برای دیدن خداوند متعال دچار زلزله و صاعقه گردیده و سپس هلاک شدند. بعد از اظهار ناراحتی حضرت موسی^۳ و درخواست بازگشت آنان، دوباره این افراد زنده شده و به زندگی خود ادامه دادند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۳، ص ۷۳) در ماجرای گاو بنی‌اسرائیل نیز که برای روشن شدن قضیه قتل از سوی خداوند متعال به کشتن گاو و زدن بخشی از آن به بدن مقتول امر شده بود، با زدن بدن مقتول به بخشی از بدن گاو، فرد کشته شده زنده شد و قاتل خود را معرفی نمود. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۷۹؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۴۵) گروه دیگری از بنی‌اسرائیل نیز دوباره زنده شدند و سالیان درازی زندگی کردند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۳، ص ۷۴) این گروه با دعای حزقیل (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۶۵ - ۳۶۸) یا ذوالکفل (مترجمان، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۱۴۷) به دنیا رجعت کردند. نمونه دیگر این امر، زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی^۴ است. (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۶۵۵؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۹۲) در برخی روایات، زنده شدن سام بن نوح به دست حضرت عیسی^۴ بیان شده است. (مترجمان، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۲۲۱) موارد متعدد زنده شدن مردگان و در برخی موارد حجم

گسترده زنده شدگان بیانگر آن است که زنده شدن مردگان در این دنیا امری ممکن است.

آیات ظاهر در رجعت

طبق قاعده اصالت ظهور هر گاه معنایی در کلام ظاهر و روشن باشد، به صورت طبیعی آن معنا اراده شده و مراد کلام و آیات قرآنی طبق این قاعده برداشت می شود. (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۸، ص ۲۱۰ - ۲۱۱) این قاعده در آیات رجعت جریان داشته و برخی از آیات به صورت روشن و آشکارا به امر رجعت دلالت می کنند.

یکی از آیاتی که بر رجعت دلالت می کند، آیه شریفه (قَالُوا رَبَّنَا أُمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَبْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ) (غافر، ۱۱) می باشد که در مورد گروهی است که بعد از مرگ به دنیا بازمی گردند. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۷۴۹) این آیه حاکی از دو بار مردن و دو بار زنده شدن انسان ها است که در تفسیر اهل سنت «احیاء» اول به خروج افراد از صلب پدران شان تعبیر شده و حالت قبل از آن را «اماته» ی اول به حساب آورده اند، (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۴۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۵۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ق، ج ۱۲، ص ۳۰۵) در حالی که «اماته» دلالت بر میراندن پس از زنده بودن می کند، و ایجاد اولیه «اماته» به حساب نمی آید و استدلال به آیه (كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) (بقره، ۲۸) برای اثبات «اماته» ی اول صحیح نیست؛ زیرا در این آیه خداوند متعال، وجود انسان ها را قبل از «احیاء» اول، «اموات» نامیده نه «اماته»، در حالی که «اماته» دلالت بر میراندن پس از زنده بودن می کند ولی «اموات»، به معنی اشخاص مرده است که دلالتی بر زنده بودن قبل ندارد و اگر کسی «اماته» را بنابر تأویل به جای «اموات» به کار ببرد، این امر مجاز بوده و حقیقت، اولی بر مجاز است.

آیات سوره نمل نیز بر رجعت دلالت دارند، این آیات در سیاق قیامت و علائم آخرالزمان وارد شده اند که بیانگر حوادث قبل از قیامت است. در این آیات بحث خروج جنبنده ای از زمین و برانگیخته شدن گروهی از انسان ها مطرح شده است.

(وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿۸۲﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّن يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ.) (نمل، ۸۲ - ۸۳)

در این آیات بحث از خروج دابّه و جنبنده ای از زمین است که با مردم تکلم می کند، بنابراین باید ناظر به جریانی باشد که شامل حشر کلی موجودات نبوده و خروج یک جنبنده برای اتمام حجت نسبت به سایر انسان ها باشد، و قرینه ی درونی آیه می رساند، تکلم و استدلال این دابّه برای آن است که در انسان ها نسبت به اموری ایجاد یقین نماید؛ زیرا مردم قبلاً به آیات الهی ایمان نیاورده و یقین حاصل نمی کردند، لذا باید امری خارق العاده انجام شود تا مردم به یقین برسند.

در خصوصیات دابّه در تفسیر اهل سنت مطالب مختلفی بیان شده و آن را به صورت موجود عجیب و غریبی به تصویر کشیده است، و برای آن پشم و پر توصیف شده که خصوصیتی حیوانی است و در روایات شیعه برای آن ریش بیان شده است که خصوصیتی انسانی برای دابّه می باشد. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۱۵-۱۱۷) مصداق دابّه در تفسیر شیعی، علی بن ابی طالب (بیان شده است. (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۲۷-۲۲۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۹۷-۹۸). چه بسا برخی برای کتمان حقایق و فضایل اهل بیت (به تغییر نشانه های دابّه دست زده اند، این امر در حالی است که خصوصیتی که برای اهل سنت مضر نبوده تغییر نیافته، مثل مکان خروج دابّه از صفا و علت بیرون آمدن آن در زمانی که امر به معروف و نهی از منکر نمی شود و دابّه با خروج خود به افراد، نشان مؤمن و کافر می زند، این گونه روایات در بین هر دو گروه انسجام و هماهنگی دارد.

در روایات اهل سنت زمان خروج دابّه مشخص شده و به هنگام خروج دجال و یأجوج و مأجوج و بیرون آمدن دود و طلوع خورشید از مغرب نسبت داده شده (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۱۶) که این علائم طبق

تقسیم‌بندی آیات و روایات نزد شیعه منسوب به زمان رجعت است.

با توجه به این نکات، ارتباط این آیه با رجعت روشن و استناد به قیامت با مشکلاتی مواجه است:

اول: با روایات وارده سازگاری ندارد.

دوم: خروج یک دأبه و جنبنده به تنهایی با حشر تمامی انسان‌ها در قیامت منافات دارد.

سوم: اگر خصوصیات شامل یک حیوان باشد، باید به گونه‌ای وحشتناک باشد، تا انسان‌ها را به وحشت بيفکنند؛ زیرا به قرینه‌ی روایات، این امر مربوط به امر به معروف و نهی از منکر بوده و باید انسان‌ها را از بدی‌ها باز داشته و موجب ترس آن‌ها گردد، حال آن‌که روایات شیعه و سنی چنین امری را بیان نکرده بلکه حکایت‌گر آن‌اند که دأبه موجودی است که به انسان‌ها نشان مؤمن بودن و کافر بودن می‌زند. در نتیجه برانگیخته شدن دأبه با این وجه خاص ناظر به امر رجعت و قیامت صغرا است تا از طرفی دلیلی بر منکران قیامت باشد و امکان قیامت را در دنیا به انسان‌ها بنمایاند، و از سوی دیگر امکان رجعت را که در امت‌های پیشین بوده در این امت هم به اثبات برساند.

ادامه آیات، بیانگر حشر و برانگیخته شدن تمامی انسان‌ها در روز قیامت تأکید دارد؛ بنابراین حشر برخی از انسان‌ها نشانگر قرآن کریم به برانگیخته شدن تمامی انسان‌ها در روز قیامت و حشر جزئی در آیه مورد نظر است: (وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يَكْذِبُ بَيَاتِنًا فَهُمْ يُوزَعُونَ) (نمل، ۸۳) خداوند می‌فرماید: از هر امتی گروهی را محشور می‌کنیم، بنابراین حشر شامل همه‌ی امت‌ها نمی‌شود بلکه از هر امتی فوج و گروهی محشور می‌شوند و کلمه «فوج» که در ادبیات عرب به گروه و جماعتی از مردم گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۵۰؛ فرامیدی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۳۹۰؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۲۵) با آیات قیامت منافات دارد که حشر کلی موجودات را شامل می‌شود: (وَحْشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نَعْلَمْ مِنْهُمْ أَحَدًا) (سوره کهف، آیه ۴۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ۲۲۸) از آیات قبل و بعد و سیاق آیه برداشت می‌شود که آیات، ناظر به قیامت یا بعد از آن نیست؛ بلکه مربوط به جریانی است که آمادگی قیامت را در انسان‌ها ایجاد می‌نماید. مؤید این مطلب، سیاق آیات است که در آیات بعد دمیده شدن در صور (وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ) (نمل، ۸۷) و حشر کلی انسان‌ها مطرح می‌شود.

علاوه بر موارد مذکور، آیاتی در قرآن دیده می‌شود که خداوند متعال وعده‌ی نصرت در آینده را به رسولان و مؤمنان داده است.

(إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ؛ ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می‌خیزند، یاری می‌دهیم!) (غافر، ۵۱)

آیه شریفه با آمدن ادوات تأکید «إِنَّ» و «لَ» یاری‌رساندن به مؤمنان و رسولان در زندگی دنیا را تأکید نموده است، حال آنکه آیات قرآن بیانگر کشته شدن مظلومانه بسیاری از مؤمنان و رسولان بوده و تاریخ، شاهد و گواه بر این امر بوده است. با توجه به این‌که عبارت «لَنَنْصُرُ» مضارع می‌باشد، خبر از آینده داده و با توجه به قطعی بودن وعده الهی می‌بایست رسولان و مؤمنانی که یاری نشده‌اند، در آینده طبق وعده‌ی الهی یاری گردند. تحقق این وعده الهی از طریق بازگشت به دنیا و زنده شدن مجدد امکان‌پذیر خواهد بود که شامل رجعت و بازگشت این افراد به دنیا است. (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۷۶۳ - ۷۶۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ۵۲۶؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۵۸ - ۲۵۹). رجعت زمینه‌ساز تحقق وعده‌ی الهی در مورد حکومت مستضعفین بر گستره عالم هستی است که در سایر آیات وعده داده شده است. (قصص، ۵؛ نور، ۵۵؛ ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۸۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۱۶ و ۶۱۹ - ۶۲۰) تأیید این مطلب در آیه ۸۱ آل عمران مشاهده می‌شود:

(وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ؛ و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه کتاب و دانش

به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید!

گرفتن پیمان از انبیاء در یاری کردن رسول خدا^۹ طبق کلمه «ثُمَّ لَتَوْمِنُنَّ، لَتَدَّ صُرَّتُهُ» باید بعد از وجود گرامی حضرت محمد^۹ تحقق یابد و این امر جز در ظرف آینده ممکن نخواهد بود، بنابراین باید انبیاء الهی بعد از پیامبر^۹ به دنیا رجوع و بازگشت داشته باشند تا بتوانند یاری‌گر او باشند. (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، صص ۶۴۸ و ۶۴۶؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۵۹؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۰۶).

بنابراین، مجموع آیاتی که بیانگر حوادث آخرالزمان بوده و از برانگیخته شدن برخی انسان‌ها سخن به میان آورده و اتمام حجت بر سایر بندگان را مطرح می‌نمایند، بیانگر رجعت برخی از افراد می‌باشند که نظیر آن در امت‌های پیشین رخ داده و امکان عقلی وجود داشته و آیات و روایات نیز مؤید این امر می‌باشند.

روایات دیگری بیانگر علائمی پیش از رجعت بوده که آمادگی برای قیامت و حشر اکبر را برای انسان‌ها فراهم می‌آورد. یکی از علائم رجعت، دخان و دود است. (دخان، ۱۰-۱۵) وقتی که دود مردم را فرامی‌گیرد، آنان از خداوند متعال می‌خواهند تا عذاب را از آنان بردارد و ادعای ایمان می‌کنند؛ ولی خداوند متعال بیان می‌دارد که ایشان پندپذیر نمی‌باشند، هر چند رسولی بیان‌گر برای ایشان آمد، خداوند می‌فرماید: (إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ) (دخان، ۱۵). این آیه بیان‌گر آن است که مدتی عذاب از آنان برداشته می‌شود، حال آن که عذاب قیامت قابل تخفیف یا برداشته شدن نیست (وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ) (نحل، ۸۵)، ضمن آن که خداوند متعال می‌فرماید: ایشان بازگردانده می‌شوند، در حالی که اگر این عذاب مربوط به قیامت بود، امکان بازگرداندن وجود نداشت. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۹۰)

بنابراین فهمیده می‌شود؛ آیات و نشانه‌های رجعت شباهت بسیاری با آیات قیامت دارد ولی تفاوت‌های آن نیز ظریف و مشهود است، به گونه‌ای که خداوند متعال نمونه‌ای از قیامت را در آخرالزمان به بندگان می‌نمایاند تا شاید متذکر شده و از حوادث غیرقابل بازگشت قیامت خود را حفظ نمایند.

آیات قیامت و تفاوت آن با آیات رجعت

برخی آیات قرآن بین قیامت، ظهور و رجعت مشترک می‌باشند که از طریق قرائن می‌توان آیات قیامت را تشخیص داد. از جمله آیات قیامت، آیاتی است که انسان‌ها تمامی قوت و نیرو را از آن خداوند متعال دانسته و در می‌یابند که خداوند در عذاب کردن شدت عمل دارد و انسان‌ها از تمامی اسباب قطع امید می‌کنند و اعمال ایشان موجب حسرت شده و امکان خروج از آتش جهنم را ندارند. (بقره، ۱۶۵ و ۱۷۶) در برخی آیات (انعام، ۲۲؛ یونس، ۲۸؛ کهف، ۴۷؛ ابراهیم، ۲۱) به حشر عمومی اشاره شده است که اختصاص به یک گروه خاص نداشته بلکه تمامی انسان‌ها را در بر می‌گیرد و هیچ یک از مشرکان و کافران یارای کمک به یکدیگر را ندارند.

برخی آیات (فرقان، ۲۵-۲۷) از نشانه‌های قیامت، مثل شکافته شدن آسمان به وسیله ابرها و نزول ملائکه خبر می‌دهد که حق بودن خداوند رحمان بر همگان ظاهر می‌شود. قیامت کبری (یس، ۴۹-۵۴؛ حاقه، ۱۳-۱۷) با یک صیحه واقع می‌شود و همگان با یک صیحه از دنیا می‌روند. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۱۵) زمین و کوه‌ها از جای خود برداشته شده و با یک تکان ریز ریز می‌گردند، آسمان شکافته شده و از هم خواهد گسست، فرشتگان در اطراف آسمان بوده و عرش پروردگار را هشت فرشته بر فراز آن‌ها حمل می‌کنند، این حوادث پس از نفخ اول واقع خواهد شد، سپس با نفخ صور دیگر، همه‌ی مردگان از قبرها بیرون آمده و محشور می‌شوند، طول مدت این حوادث که روز قیامت است پنجاه هزار سال است (حاقه، ۱۳-۱۷؛ معارج، ۴).

تعبیر قیامت به «ساعة» غالباً ناظر به قیامت کبری می‌باشد (نحل، ۷۷؛ انعام، ۳۱؛ اعراف، ۱۸۷؛ حج، ۱) که شامل حشر

تمامی موجودات است، هر چند برخی آیات که با تعبیر «ساعه» آمده‌اند، ضمن بیان قیامت اشاره به حوادث ظهور دارند که از حیث نامعلوم بودن زمان با قیامت مشترک می‌باشند.

در روایات شیعه و اهل سنت مربوط به قیامت دو دسته روایات دیده می‌شود، که یک گروه آن با قیامت و حشر کلی انسان‌ها تناسب ندارد، به ناچار این دسته روایات که به عذاب‌های مقطعی و گروه‌های خاص اشاره دارند باید به قیامت صغرا یا رجعت تفسیر نمود.

آیات ظهور

مراد از کلمه ظهور، خارج شدن امام زمان^۱ از غیبت، پس از زیستن طولانی به صورت مخفیانه بین مردم بوده که برای برپایی عدل جهانی قیام می‌نماید. (سلیمان، ۱۳۸۳، ص ۲۶۷)، تفاوت ظهور با رجعت آن است که رجعت شامل بازگشت دو گروه از مردگان است که شامل مؤمنان محض و کافران محض به دنیا می‌باشد، در رجعت مؤمنان از برپایی حکومت عدل جهانی شاد شده و کافران از ذلت و حقارت ستمگران اندوهگین می‌شوند. (همان، ص ۱۹۴)

آیاتی از قرآن به ظهور امام زمان نسبت داده شده و ذیل آن‌ها روایاتی وارد شده است. در این مبحث سعی خواهد شد برخی از آیات که بیشتر در این زمینه مطرح است، بیان شده و با سیر منطقی بررسی گردد. در آیه ۲۰ سوره یونس خداوند در مقابل درخواست مشرکان برای نزول نشانه، به آن‌ها وعده انتظار داده و از پیامبر نیز انتظار با ایشان را خواستار شده است.

(وَقَالُوا لَا تَنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لَلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ).

زمان این وعده می‌تواند عام بوده و شامل قیامت و قبل از آن باشد. این آیه در ارزش انتظار فرج (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۲۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۹۸) سخن رانده که در روایات به فرج امام زمان^۱ تعبیر شده است.

آیات دیگری چیرگی دین اسلام را بر همه‌ی ادیان وعده داده است. لفظ «رسول» در ظاهر آیات ۲۸ سوره فتح و ۹ سوره صف: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا) در مورد پیامبر اسلام^۹ است؛ اما می‌تواند شامل هر فرستاده‌ای باشد که با خود هدایت آورده و دین حق را بر تمامی ادیان چیره سازد، بنابراین احتمال می‌رود مراد از «رسول» در این آیه شریفه، امامی باشد که خداوند متعال به وسیله‌ی او دین را آشکار کرده و تمامی زمین را پر از قسط و عدل نماید، همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده بود، این آیه از جمله آیاتی است که تأویل آن بعد از تنزیلش خواهد آمد. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۱۷) هنگامی که قائم آل محمد^{۱۰} ظهور کند، خداوند متعال دین خود را بر تمامی ادیان حاکم خواهد ساخت (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۹۵ و ۳۶۵)، تا آن که هیچ‌کس غیر خدا را عبادت نکند. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۶۵) هر چند این امر موجب ناخرسندی مشرکان است. در این زمان از هر آبادی ندای شهادت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و محمد رسول الله^۹ در صبح و شام شنیده می‌شود. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۱۸).

در آخرالزمان حجت بر همه‌ی افراد تمام خواهد شد و افرادی که به حق گرایش پیدا نکرده‌اند، ایمانشان در هنگام بروز علائم ظهور سودی برای آن‌ها نخواهد داشت. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۰۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷۸۱) خداوند متعال در آیه ۱۵۸ انعام به این امر تصریح کرده است. (يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ) روایات ذیل این آیه بیانگر آن‌اند که این علائم تاکنون رخ نداده، ولی انتظار می‌رود که با ظهور حضرت قائم^{۱۱} این نشانه‌ها ظاهر شود. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷۸۲) در این روز خورشید از مغرب طلوع کرده و دابّه و دجال خروج خواهند کرد و دودی در آسمان پدید خواهد آمد. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۰۲؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷۸۱).

این آیه از طرفی می‌تواند مربوط به قیامت کبری باشد، زیرا در روایتی دیگر آمده است که همواره در روی زمین حجتی است که حلال و حرام را می‌شناسد و به راه خدا دعوت می‌کند، و زمین جز چهل روز قبل از قیامت از حجت خالی نمی‌شود و هنگامی که حجت برداشته شود، باب توبه بسته شده و ایمان کسی که قبل از آن ایمان نیاورده برای او سودمند نخواهد بود؛ این افراد بدترین خلق خداوند که در قیامت زیان خواهند دید. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۰۱ - ۵۰۲؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸۲) در نتیجه تفاوتی ندارد نزول نشانه‌های الهی مربوط به ظهور امام زمان بوده یا از علائم قیامت باشد.

از دیگر آیاتی که به ظهور نسبت داده شده و قابل استناد به قیامت نیز می‌باشند، آیه اول سوره نحل است: (أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ)، مشرکان از پیامبر^۹ می‌خواستند تا عذاب ایشان را زود بفرستد، این عذاب ممکن است شامل حوادثی باشد که در زمان رسول^{۱۰} به وقوع پیوسته یا در آینده محقق شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۰۱) همچنان که این آینده می‌تواند آخرالزمان یا قیامت باشد. در روایات، این آیه به زمان قیام قائم^۱ نسبت داده شده که خداوند متعال جبرئیل را نازل نموده و او با صدای بلند ندا می‌دهد (أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ) و قائم^۱ نزد مقام ابراهیم^۷ دو رکعت نماز خوانده، سپس سیصد و سیزده نفر از اصحابش اطراف او جمع می‌شوند (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۰۴) و جبرئیل اولین کسی است که با قائم^۱ بیعت می‌کند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۸).

از دیگر علائم بیان شده می‌توان به نشانه‌هایی اشاره کرد که بیانگر ترس مشرکان امت‌های پیشین از عذاب‌هایی است که آن‌ها را فراگرفته است. آیات ۱۱ الی ۱۵ سوره انبیاء با مقایسه این امت با امت‌های پیشین فرار آن‌ها را از عذاب الهی بیان می‌کند:

(وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ * فَلَمَّا أَخَذْنَا بِسِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ * لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْأَلُونَ * قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ * فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ.)

در روایاتی این علائم به زمان قیام قائم آل محمد^۱ نسبت داده شده است (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۸۰۴) که امام زمان^۱ هنگام ظهور با اصحابش که قلب‌هایشان هم چون پاره‌های آهن است از سمت نجف کوفه با سیصد و سیزده نفر از اصحابش بالا رفته، در حالی که جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ است، یک ماه قبل و یک ماه بعد از ظهور با ترس (در دل دشمنان) یاری می‌شود و خدا با پنج هزار ملائکه نشان‌دار او را یاری می‌کند. (همان، ۸۰۴ - ۸۰۵) ایجاد ترس اولیه در دل دشمنان برای خاضع کردن ایشان بوده و ترس پس از ظهور برای عدم طغیان و سرکشی ایشان در مقابل اوامر امام زمان^۱ و یاران او است.

بنی‌امیه در هنگام قیام ایشان پا به فرار می‌گذارند و به آنان خطاب می‌شود که به سوی زندگی پر ناز و نعمت و مسکن‌های خود باز گردید، شاید برای گنج‌هایی که ذخیره کردید، مورد سؤال قرار گیرید (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۶۸)، وقتی که قائم^۱ به دنبال ایشان می‌رود، آنان به روم رفته و رومیان از ایشان گنج‌های اندوخته شده‌شان را طلب می‌کنند، و از آنان می‌خواهند که در گردن خود صلیب آویزان کنند، سپس آن‌ها را می‌پذیرند. وقتی اصحاب قائم^۱ بر ایشان فرود می‌آیند، آن‌ها از اصحاب قائم^۱ طلب امان و صلح می‌کنند، اصحاب قائم^۱ به ایشان می‌گویند: ما این کار را انجام نمی‌دهیم تا آن‌چه را که برای ما بوده به ما برگردانید، بنی‌امیه آن (دارایی‌ها) را به ایشان بازگردانده و این همان قول خداوند متعال است که می‌فرماید: (لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْأَلُونَ) آن‌ها می‌گویند: وای بر ما، ما ظالم بودیم؛ این پیوسته گفتار ایشان بود تا آنان را زیر سایه‌ی شمشیرها درو کردیم. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۸۰۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۱۴).

در روایات، ذیل آیه ۴ سوره شعراء (إِنْ نَشَأْ نُنِزَلْ عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ) آمده است که

در این روز بنی‌امیه در مقابل صیحه‌ی آسمانی خاضع می‌شوند که این صیحه از آسمان به نام صاحب الامر است (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۱۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۱۶۶) و نشانه‌ای است که دختر جوان را از پس پرده بیرون می‌کشد و انسان خواب را بیدار می‌کند و افراد بیدار را دچار ترس و فزع می‌کند. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۱۶۶) هنگام وقوع این نشانه‌ها، زمانی است که خورشید از ظهر تا عصر راکد و بی‌حرکت می‌ماند. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۶)

عبارت «الساعة» در قرآن معمولاً معنای قیامت را به ذهن می‌آورد ولی روایات بیانگر آن هستند که «الساعة» مربوط به قیامت صغرا و کبری بوده و هرگونه علائمی که مربوط به آخرالزمان باشد، از جمله حوادث قبل از ظهور را در بر می‌گیرد. در آیه ۱۸ سوره محمد بیان شده (فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ) وقتی علائم قیامت بیاید، دیگر جای تذکر نیست. اُشراط الساعة علائمی است که در مورد قبل از زمان قیامت بیان شده است، از قبیل آن که در آن روز نماز ضایع شده، شهوات پیروی می‌شوند، دین به دنیا فروخته شده، قلب مؤمن ذوب می‌شود از این که نمی‌تواند منکر را تغییر دهد و ... (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۰۳ - ۳۰۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۶۱ - ۶۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۴ - ۳۷) علم برچیده شده، جهل آشکار می‌شود، شراب نوشیده شده و زنا آشکار شده، مردان کم و زنان زیاد می‌شوند. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۵۰) در حقیقت این علائم از نشانه‌هایی است که آخرالزمان را تبیین می‌نماید، ولی ملازم با زمان قیامت نیست؛ زیرا از علائم قیامت درهم پیچیده شدن خورشید، تیره شدن ستارگان، به حرکت درآمدن کوه‌ها و... می‌باشد که ملازمی بین آن‌ها در آیات شریفه بیان نشده است و از طرفی خداوند متعال وعده داده است که مستضعفین سرانجام کار ائمه: و وارثان زمین خواهند بود (قصص، ۵) و این علائم با این آیه قابل جمع نیست. بنا بر سایر آیات و روایات می‌توان دریافت که این علائم ناظر به قیامت صغرا یا ظهور امام زمان است که امت در آن دچار فساد و تباهی شده و با ظهور قائم آل محمد از این فساد پاک شده و حق و عدالت بر سراسر جهان سایه می‌افکند و پس از به سر آمدن مدت دنیا، علائم قیامت کبری واقع شده و رستخیز برپا خواهد شد.

اشتراک و ارتباط آیات ظهور و رجعت

یکی از وعده‌های خداوند متعال حکومت صالحان و مستضعفان بر زمین است. وعده‌ی خلافت و جانشینی مؤمنان و صالحان در زمین در آیه شریفه (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) (نور، ۵۵) بیان شده و به ظهور قائم آل محمد در آخرالزمان نسبت داده شده است که دین نبی^۹ در آن زمان آشکار خواهد شد. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۱۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۹۰) از مفهوم روایات چنین برداشت می‌شود که در آن زمان خانه‌ای از گل (شهری) و پشم (روستایی) نمی‌ماند، مگر آن که در آن کلمه اسلام وارد می‌شود. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۲۱) با توجه به این که تمامی فعل‌ها در آیه شریفه به صورت مضارع آمده است نشان می‌دهد، این آیه از آیاتی است که تأویل آن پس از تنزیلش می‌آید (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۸۹)؛ یعنی تحقق آن در زمان پیامبر^۹ نخواهد بود، بلکه باید مدت زمانی بگذرد تا تأویل آن آشکار گردد. این آیه شریفه ناظر به امر رجعت نیز می‌باشد؛ زیرا در آن تمامی ضمایر به صورت جمع «هُم» آمده است، یعنی امر جانشینی، استوار و پا برجا شدن دین، تبدیل ترس به امنیت برای آل محمد خواهد بود. (حرّاملی، ۱۳۶۲، ص ۷۴) هم چنین خداوند در سوره قصص آیه ۵ (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) به مستضعفان و صالحان وعده داده است که آنان را ائمه و وارثان زمین قرار دهد، این وعده تاکنون محقق نشده است و تحقق آن مخصوص صاحب الامر است که در آخرالزمان ظهور می‌یابد و افراد جبّار و ستمگر را نابود کرده و مالک شرق و غرب زمین می‌شود

و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده بود. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۲۵۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ق ۲، ص ۵۰).

خداوند متعال به مؤمنین وعده داده است در مقابل کسانی که از دین روی گردان می‌شوند، به زودی قومی را خواهد آورد که ایشان را دوست داشته و ایشان نیز خدا را دوست دارند (فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ) (مائده، ۵۴)، و این وعده را که تاکنون تحقق نیافته در مورد قائم^۱ و اصحابش بیان نموده است (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۷۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۴۱). ایشان کسانی هستند که در راه خدا جهاد کرده و از سرزنش هیچ‌کس نمی‌ترسند. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۱۵) پیامبر^۹ با اشاره به امام حسن و حسین^۸ فرمود: «شما مستضعفان بعد از من هستید و این آیه در مورد ما تا روز قیامت جاری است» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۲۴۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۱۰) به این معنا که ایشان و نسل آنان تا روز قیامت، امام و وارثان زمین خواهند بود؛ با توجه به اینکه در آخرالزمان ابتدا امام زمان^۱ ظهور نموده و تشکیل حکومت می‌دهد و ائمه: بعد از شهادتشان بازگشت نموده و بعد از امام زمان^۱ بر زمین حکمرانی خواهند نمود، این آیه شریفه می‌تواند ناظر به امر «رجعت» نیز باشد.

آیات (وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا * فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا * ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا) (اسراء، ۴-۶)، بیان‌گر حال بنی‌اسرائیل است که دو بار در روی زمین به فساد خواهند پرداخت. و پس از آن خداوند بندگان از خود را مبعوث کرده تا با قوت و نیرو به جستجوی ایشان پرداخته و وعده خود را محقق سازد.

هرچند آیات شریفه بیان‌گر حال بنی‌اسرائیل است، ولی با توجه به تکرار حال بنی‌اسرائیل در امت پیامبر^۹ می‌توان تکرار آن را در امت ایشان ملاحظه نمود، مبنی بر این‌که خداوند متعال در وعده‌ی اول قبل از خروج قائم^۱ گروهی را مبعوث خواهد کرد که انتقام خاندان رسول^۹ را از ظالمان بستانند، آن گاه قائم^۱ خروج کرده و اولین کسانی که رجعت می‌کنند امام حسین^۷ همراه با هفتاد تن از یاران او خواهند بود. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۵۰۲ - ۵۰۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۳۸). در تفسیر آیه شریفه عبارت «کره» در مورد رجعت امام حسین^۷ آمده است.

خداوند در آیه ۳۳ سوره توبه (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) وعده چیرگی دین حق بر تمامی ادیان را بیان نموده است، حال آن‌که این امر در زمان پیامبر^۹ به صورت کامل محقق نگردید، بنابراین برای تحقق این آیه باید چشم انتظار آینده بود. طبق وعده‌ی الهی این آیه در مورد قائم^۱ آل محمد^۱ نازل شده (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۸۹) و تأویل آن بعد از تنزیل خواهد آمد، وقتی که قائم^۱ خروج کند، آنگاه کافر و مشرکی به امام باقی خواهد ماند. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۷۷۰) حضرت قائم^۱ با ایجاد ترس در دل دشمنانش یاری خواهد شد و با یاری شدن تأیید خواهد گردید، زمین برای او پیچیده شده و گنج‌های زمین برای او آشکار خواهد شد، حکومت او شرق و غرب زمین را فرا خواهد گرفت و خداوند^۷ دینش را بر تمامی گستره‌ی زمین آشکار خواهد ساخت، هر چند این امر مشرکان را خوشایند نیست. امام هر مکان خرابی را آباد کرده و روح‌اللّه عیسی بن مریم را فرو فرستاده پشت سر قائم^۱ نماز خواهد خواند. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۱۲)

این آیه به ظهور و رجعت هر دو استناد داده شده است، و شاید بتوان وجه جمع آن را در این روایت یافت که امام حسین^۷ فرمود: «منا اثنا عشر مهديا، أولهم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب^۷، و آخرهم التاسع من ولدِي و هو القائم بالحق، يحيي الله به الأرض بعد موتها، و يظهر به الدين الحق على الدين كله و لو كره المشركون» (همان) به این معنا که همه‌ی دوازده امام، مهدی و هدایت‌گر امت می‌باشند، از امام اول که

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب^۷ باشد تا آخرین امام که حضرت قائم^۸ باشد. بنابراین امام علی^۷ چه هنگام امامت و خلافت اولیه و چه هنگام رجعت جزء هدایت‌گران امت محسوب می‌شود. هر چند این آیه ابتدا با ظهور قائم به تحقق می‌پیوندد، در ادامه با رجعت امیرالمؤمنین^۷ تداوم خواهد یافت، زیرا طبق روایات، امام قبلی را جز امام نمی‌تواند غسل و کفن نماید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۲۸۸ — ۲۹۱)، و امام زمان^۸ توسط امام غسل و کفن و دفن خواهد شد و این امر تنها از طریق رجعت امکان‌پذیر خواهد شد.

در آیه ۲۱ سوره سجده (وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَثْوَىٰ ذَوْنَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ)؛ «عذاب ادنی» به قحطی و خشک‌سالی، و «عذاب اکبر» به خروج قائم^۸ با شمشیر در آخرالزمان تفسیر شده است. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۴۰۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۳۲).

«عذاب ادنی» به عذاب رجعت با شمشیر نیز تفسیر شده است که گروهی در رجعت بازگردانده می‌شوند تا عذاب شوند. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۷۰) همچنین در برخی روایات، «عذاب ادنی» به دَابَّةُ الارض (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۴۰۱) که در زمان رجعت از زمین خارج می‌شود؛ و دَجَال (همان؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۳۲) که از علامات قبل از ظهور^۸ است، تعبیر شده است. بنابراین اگر منظور از «عذاب ادنی» بلایای دنیوی باشد، خروج قائم^۸ عذاب اکبر محسوب می‌شود ولی اگر «عذاب ادنی» بلایای مربوط به امور دینی باشد و اموری همچون رجعت، دَابَّة و دَجَال را دربرگیرد، «عذاب اکبر» عذاب قیامت را شامل خواهد شد.

«عذاب ادنی» در آیه شریفه در تفاسیر اهل سنت به مواردی از قبیل روز بدر، سال‌های سختی، مصائب دنیا، جنگ‌ها، دخان، بیماری‌ها، حدود، عذاب دنیا و عذاب قبر، کشتار، گرسنگی قریش در دنیا تفسیر شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۷۸) در این تفاسیر به عذاب دنیا و برزخ و دخان اشاره شده است، که مجموع این تفاسیری که از اهل سنت وارد شده است، تأییدی بر تفاسیر شیعه می‌باشد؛ زیرا دخان از علائم ظهور و رجعت و قیامت است (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۱۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۶۲۷) که در روایات شیعه وارد شده و رؤسای کافران با رجعت به دنیا «عذاب ادنی» را چشیده و مؤمنان خالص با رجعت به یاری امام زمان^۸ پرداخته و در آن روز شادمان می‌شوند.

در روایات ذیل آیات ۴۱ و ۴۲ سوره قاف که به رجعت نسبت داده شده است، چنین آمده است که منادی در این روز با صیحه‌ای نام قائم و پدرش را از آسمان ندا می‌دهد. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۲۷) (وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ * يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ) ظاهر آیه شریفه در مورد قیامت است، در عین حال به صیحه‌ی آخرالزمان، قبل از ظهور و هنگام رجعت نیز تأویل شده است و از این حیث که آیه‌ی شریفه زمینه‌ساز قیامت کبری است در ردیف آیات قیامت و رجعت آمده است.

صیحه و دخان و برخی نشانه‌های ناظر به قیامت بیانگر علائم آخرالزمان می‌باشند که فاصله‌ی آن‌ها تا قیامت کبری مشخص نیست و از آیات و روایات بر می‌آید که آخرالزمان مدت زمانی را در بر می‌گیرد، زیرا بسیاری از روایات آخرالزمان ناظر به فساد و تباهی امت‌هاست، حال آن‌که آیات شریفه قرآن وعده داده است که زمین را صالحان به ارث خواهند برد، بنابراین وجه جمع این آیات و روایات آخرالزمان این است که صیحه و این علائم مربوط به قیامت صغرا باشند تا زمینه‌ی قیامت کبری در روی زمین فراهم گردد، زیرا رجعت یکی از مراتب قیامت است و تفاوت آن با قیامت این است که در قیامت هیچ فساد باقی نمی‌ماند ولی در رجعت امکان فساد تا حدی وجود دارد، ضمن این‌که ظهور امام زمان^۸ نیز با رجعت گره خورده، در آن روز حق آشکار شده اما در رجعت، ظهور حق نمایان‌تر است. بنابراین سه روز ظهور، رجعت و قیامت مراتب مختلف یک حقیقت بوده ولی از نظر مراتب با یکدیگر متفاوت‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶۴)

با توجه به این‌که روایات، گاه به سه امر ظهور، رجعت و معاد در یک آیه استناد داده شده، نشان‌گر آن است که بین این امور ارتباط محکمی برقرار است، زیرا نه تنها نشانه‌های این امور گاه به یکدیگر شبیه بوده،

بلکه همگی در اهداف هماهنگی دارند؛ زیرا هدف کلی آن‌ها هدایت انسان‌ها از طریق ائمه: و هدایتگران دین بوده و در عین حال هر یک هدفی خاص را دنبال می‌کنند.

از ظاهر روایات و قرینه‌ی آیات بر می‌آید که پس از بروز نشانه‌ها، ابتدا امر ظهور صورت گرفته و سپس رجعت و در نهایت امر قیامت آشکار می‌شود، هر چند طبق روایات ممکن است رجعتی قبل از ظهور نیز انجام گیرد (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۷۵؛ استادی، ۱۳۶۵، ش ۵، ص ۵۶) که مربوط به دابة الارض باشد، زیرا خروج دابة برای امر به معروف و نهی از منکر است، البته این امر منافاتی ندارد که مربوط به پس از زمان ظهور باشد، زیرا بعد از ظهور باید با مردم اتمام حجت شود و می‌تواند اتمام حجت از طریق دابة الارض انجام شود که طبق بعضی روایات به امیرالمؤمنین^۷ نسبت داده شده است.

در نهایت می‌توان گفت: هنگام ظهور، صالحان و مستضعفان حکومت حق را تشکیل داده و از طریق امام زمان^۸ حق به اجرا در می‌آید. این حکومت به وسیله‌ی رجعت ائمه و صالحان تأیید شده و موجب بروز و ظهور دو چندان حق می‌گردد تا بدان جا که وعده‌ی الهی در قرآن و سایر کتب آسمانی به فراگیری حکومت حق در زمین به مؤمنان، تحقق یافته و با رجعت و عذاب شدن رؤسای کفاری که شایسته عقوبت بودند، قیامت صغرا محقق شده و زمینه قیامت کبری را فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری

رجعت یا بازگشت مردگان به دنیا امری است که با استفاده از دلایل گوناگونی از جمله در آیات و روایات به اثبات رسیده است. این امر سابقه‌ای تاریخی داشته و به دلیل تکرار حوادث تاریخی، امکان وقوع آن در آینده محال نیست و انکار آن نیازمند دلایل عقلی و یا نقلی متقن و مستحکم می‌باشد.

پذیرش رجعت، ظهور و قیامت موجب تفکیک آیات مشترک در علائم آخرالزمان گردیده و امکان جمع بین حوادث جزئی (مربوط به ظهور و رجعت) و کلی (مربوط به قیامت) را فراهم می‌آورد، ضمن آن که این آیات موجب ترس کافران شده، بر یقین افراد مؤمن افزوده و در باقی افراد امیدواری ایجاد می‌کند.

با توجه به این که عذاب در دنیا یک بار شامل گروه تبه‌کاران شده و عذاب عظیم در آخرت به صورت فراگیر دامان ایشان را می‌گیرد، رجعت فقط شامل حال کسانی خواهد شد که به عذاب قبلی هلاک نشده باشند. طبیعی است که عذاب رجعت دامن‌گیر بزرگان قومی خواهد شد که امتی را به تباهی کشیده‌اند تا به این وسیله مایه عبرت امت‌های بعدی قرار گیرند، همچنان که خداوند متعال حال امت‌های پیشین را مایه عبرت امت‌های بعدی قرار می‌دهد.

آیاتی در قرآن وجود دارند که گستره‌ی زمانی وسیعی را شامل می‌شوند و زمان آن‌ها به طور کاملاً معین بیان نشده و با توجه این که جریان قرآن همچون جریان خورشید و ماه «یجری کما یجری الشمس و القمر» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱) است، آیات می‌توانند در زمان‌های مختلف ظهور و بروز داشته باشند.

آیاتی که با یک نگاه یک معنا را به ذهن نزدیک می‌کنند، با روایات اهل بیت^۹ بطون نهفته آن‌ها آشکار شده و مصادیق مختلف آن‌ها روشن می‌گردد. روایاتی که در ابتدا معنای قیامت کبری را تداعی می‌کنند، با رجوع به روایات و توجه به قرائن موجود در آیات، قیامت صغرا و ظهور را تبیین می‌نمایند.

برخی آیات ظهور شامل امر رجعت نیز بوده و در برخی موارد نشانه‌های ظهور با رجعت اشتراک پیدا نموده و گاه علائم رجعت بعد از ظهور مشخص می‌شوند. آیاتی که در مورد ظهور بوده و ضمائر جمع در آن‌ها به کار رفته، چنان چه با قرینه روشن گردد که ضمائر جمع علاوه بر صالحان، شامل ائمه: نیز می‌گردد، می‌تواند دلیلی بر رجعت ائمه: باشد.

در مجموع، غالب روایات رجعت، ظهور و قیامت ذیل عنوان روایات آخرالزمان قرار می‌گیرد که با تحقیق و بررسی دقیق‌تر در تفاسیر شیعه و اهل سنت بسیاری از زوایای پنهان آیات در پرتو روایات روشن خواهد شد

که برای اندیشمندان جای کار و دقت فراوان دارد.

پیشانی

Error! No text of specified style in document.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۱. ابن ابی حاتم عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹)، تفسیر القرآن العظیم، چاپ سوم، عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفی الباز.
 ۲. ابن العربی محمد بن عبداللّه بن ابوبکر (بی تا)، احکام القرآن، بی جا: بی نا.
 ۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا، محقق و مصحح: مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران: نشر جهان.
 ۴. ----- (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
 ۵. ----- (۱۳۶۲ش)، الخصال، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
 ۶. ابن حنبل، احمد (بی تا)، مسند / احمد، بیروت: بی نا.
 ۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
 ۸. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
 ۹. استادی، رضا (۱۳۶۵ش)، «اعتقادات علامه مجلسی»، کیهان اندیشه، ش ۵.
 ۱۰. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۱۱. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثة، چاپ اول، تهران: بنیاد بعثت.
 ۱۲. بخاری (۱۴۰۱ - ۱۹۸۱م) صحیح بخاری، استانبول: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی جا.
 ۱۳. پژوهشکده تحقیقات اسلامی (۱۳۸۶ش)، فرهنگ شیعه، چاپ دوم، قم: زمزم هدایت.
 ۱۴. ترمذی (۱۴۰۳ - ۱۹۸۳م) سنن الترمذی، تحقیق و تصحیح: عبد الرحمن محمد عثمان، چاپ دوم، بیروت - لبنان: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
 ۱۵. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، تحقیق: ابو محمد بن عا شور، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۶. جمعی از نویسندگان (۱۴۲۶ق)، فی رحاب اهل البيت، (ج ۲۳ «۲۹»)، چاپ دوم، بی جا: المجمع العالمی لاهل البيت.
 ۱۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲ش)، الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه؛ محقق / مصحح: هاشم رسولی و احمد جنتی، چاپ اول، تهران: نوید.
 ۱۸. حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)، تفسیر روح البیان، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
 ۱۹. خاتمی، احمد (۱۳۷۰ش)، فرهنگ علم کلام، چاپ اول، تهران: انتشارات صبا.
 ۲۰. دوانی، علی (۱۳۴۶ش)، «موعودی که جهان در انتظار اوست: مهدی موعود در منابع اهل سنت»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال هشتم، ش ۵.
 ۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق - بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
 ۲۲. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی.
 ۲۳. سجادی، سید جعفر (۱۳۷۳ش)، فرهنگ معارف قرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲۴. السجستانی، سلیمان بن الاشعث (۱۴۱۰ - ۱۹۹۰م)، سنن ابی داود، تحقیق و تعلیق: سعید محمد اللحام، بی‌جا: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۲۵. سلیمیان، خدا مراد (۱۳۸۳ش)، فرهنگ‌نامه‌ی مهدویت، چاپ اول، بی‌جا: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی ا.
۲۶. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۸)، دروس تمهیدیة فی القواعد التفسیریة، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۷. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، چاپ اول، قم، کتابخانه آیة اللّٰه مرعشی نجفی.
۲۸. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴ش)، تفسیر المیزان، ترجمه المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دار المعرفه.
۳۰. طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۳۳. عیاشی محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، کتاب التفسیر، چاپ اول، تهران: چاپخانه علمیه.
۳۴. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، العین، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت.
۳۶. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، چاپ دوم، تهران: انتشارات صدرا.
۳۷. القزوی، محمد بن یزید (بی‌تا)، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بی‌جا: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۳۸. القفاری، ناصر بن عبداللّٰه بن علی (۱۴۱۵ق)، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه عرض و نقد، بی‌جا.
۳۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش)، تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، چاپ چهارم، قم: دار الکتاب.
۴۰. مترجمان (۱۳۵۶ش)، ترجمه تفسیر طبری، تحقیق: حبیب یغمایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس.
۴۱. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳)، بحار الانوار ترجمه بخش امامت، ترجمه موسی خسروی، چاپ دوم، تهران: اسلامیه.
۴۲. ----- (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر الاخبار الاثمة الاطهار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۳. مشکور، محمد جواد (۱۳۷۲ش)، فرهنگ فرق اسلامی، چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
۴۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، چاپ اول، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۴۵. _____ (۱۴۱۴ق)، تصحیح اعتقادات الامامیه، محقق/مصحح: حسین درگاهی، چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید.
۴۶. النحاس، أحمد بن محمد (۱۴۰۹)، معانی القرآن، المحقق: محمد علی الصابونی، الطبعة: الأولى، مكة المكرمة: جامعة أم القرى.
۴۷. النیسابوری، مسلم (بی‌تا)، صحیح مسلم، بیروت - لبنان: دار الفكر.
۴۸. النیسابوری الحاکم (بی‌تا) المستدرک الصحیحین، تحقیق و اشراف: یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بی‌جا: بی‌نا.
۴۹. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق: زکریا عمیرات، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.